

تاریخ ایران
نادرشاه افشار

مؤلف:
سید نقی خسروی



سرشناسه	: خسروی، سید نفی، ۱۳۱۷-
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ ایران: نادرشاه افشار / مولف نفی خسروی.
مشخصات نشر	: تهران: سفیراردهال، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۰۰ص.
شابک	: ۱۰۰۰۰۰-۸-۳۹-۶۰۶۸-۶۰۰-۹۷۸:
موضوع	: نادر افشار، شاه ایران، ۱۱۰۰-۱۱۶۰ق.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- افشاریان، ۱۱۴۸-۱۲۱۸ق.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ت ۵ خ / ۱۳۶۵ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۲۲:
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۸۳۱۹۴:
کد پیگیری	: ۲۴۸۲۶۵۹:

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۸-۳۹-۸



تهران: خیابان مفتاح، خیابان سمیه، روبروی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
تاریخ ایران: نادرشاه افشار

© حق چاپ: ۱۳۹۰، انتشارات سفیراردهال، www.safirardehal.ir

نوبت چاپ: اول

نوشته: سید نفی خسروی

طراح جلد: امین جعفری

صفحه‌آرا: منیژه فاتحی

ناظر فنی: سید حسین عابدینی اردهالی

حروف متن: لوتوس نازک ۱۴ روی ۲۵

چاپ: عترت - صحافی: مشعر - لیتوگرافی: نویس

شمارگان: ۱۱۰۰

شماره نشر: ۱-۱۲۹

کاغذ: تحریر سفید ۷۰ گرمی

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۲۴.....	نگاهی گذران به خصوصیات نادر و اقداماتش در ایران.....
۲۶.....	نادرشاه افشار.....
۲۷.....	اختیار کردن پیشه عیاری.....
۲۸.....	نادر در جستجوی پدر و برادرش ابراهیم.....
۲۸.....	نادر در خدمت باباعلی بیگ حاکم بیوردی.....
۲۹.....	نگاهی به اوضاع قندهار.....
۳۲.....	هرات به سرنوشت قندهار گرفتار شد.....
۳۳.....	نگاهی به موقعیت نادر و دامادی او.....
۳۳.....	نیرنگ محمود و خام شدن درباریان اصفهان.....
۳۴.....	اغتشاش در آن سوی خلیج فارس و سقوط جزیره بحرین.....
۳۴.....	روس و عثمانی هم به فکر کشورگشایی افتادند.....
۳۶.....	شاه سلطان حسین شست عنصر گول خورد.....
۴۰.....	ترکان عثمانی هم به دست‌درازی پرداختند.....
۴۴.....	خیانت محمود افغان ادامه یافت.....
۵۰.....	خان حویزه رنجیده‌خاطر و پال دولت شد.....
۵۲.....	طهماسب میرزا ولیعهد برای تهیه قوا به قزوین رفت.....
۵۳.....	شاه سلطان حسین می‌خواست خانه‌نشین شود.....
۵۴.....	محمود به خون‌خواهی برادر و پسر خاله‌اش به اصفهان حمله کرد.....
۵۶.....	مردم اصفهان برای جان‌فشانی آماده بودند اما ...
۵۹.....	شاه حال که باید تسلیم شد ما چرا عقب بمانیم؟.....
۶۳.....	عقد بندان و عروسی.....
۶۴.....	شاه سلطان حسین تن به خواری داد.....

- جلوس محمود بر تخت سلطنت ۶۸
- جلوس طهماسب میرزا بر تخت سلطنت ۷۱
- سزای عیاشی های بی حساب ۷۲
- خطه خراسان چه خبر؟ ۷۲
- اتحاد روس و ترک علیه ایران - روس و ترک برای بلعیدن قطعات زرخیز ایران با هم متحد شدند ۷۳
- مردم غیور تبریز در مقابل ترکان - تبریزیان غیور دمار از روزگار ترکان عثمانی کشیدند ۷۵
- بابا علی بیگ حاکم ایبورد - اجل تو مار هستی بابا علی بیگ را درهم پیچید ۷۶
- اختلاف شیعه و سنی برای محمود افغان بهانه بود ۷۶
- نادر از ازبکان انتقام کشید ۸۰
- نادر با پای خود به مملکت قدم گذاشت ۸۳
- آئین جشن مهرگان ۸۶
- اگر پای نادر به سنگ نخورده بود ۸۷
- تصرف شیراز توسط محمود افغان ۸۹
- تسخیر شهر گلپایگان ۹۰
- تُرک نازی عساکر عثمانی ۹۲
- افول قدرت امیر محمود افغانی ۹۲
- امیر محمود دیوانه شد ۹۵
- اشرف داماد شاه مخلوع شد ۹۷
- برای شاه طهماسب فال حافظ گرفته و او را روانه مازندران کردند ۹۸
- شاه طهماسب از فتحعلی خان قاجار کمک خواست ۱۰۱
- ملک محمود سیستانی خواست تفرقه بیندازد ۱۰۲
- گردنکشان یکی بعد از دیگری منکوب شدند ۱۰۴
- اولین پیک از طرف دستگاه سلطنت به نادر ۱۰۷
- ملک محمود کوس لمن الملکی زد ۱۱۰
- ملک محمود تاج کیانی بر سر نهاد ۱۱۲
- ترکمن ها خواستند گذشته را جبران کند ۱۱۳
- سلطان محمود همین که متوجه شد اکراد حيله و تزویر کرده اند انتقام گرفت ۱۱۴

- انتقال گوهرشاد و فرزندانش به کلات..... ۱۱۶
- به تحریک ملک محمود ترکمن‌ها و اکراد علیه نادر با هم متحد شدند..... ۱۱۷
- نادر می‌خواست به ملک محمود سیستانی نیرنگ بزند..... ۱۱۹
- اغوا شده‌ها تسلیم نادر شدند..... ۱۲۱
- گوهرشاد ناراحت از نادر ۱۲۳
- در اصفهان چه خبر است ۱۲۳
- نادر سزای راهزنان را داد ۱۲۴
- بار دیگر شاه طهماسب نادر را طلبید ۱۲۵
- شاه طهماسب در عیش و خوشی بود - فتحعلی‌خان سلطنت می‌کرد ۱۲۷
- دولت عثمانی برای شایختن شاه طهماسب دوم به سلطنت شریطی داشت ۱۳۰
- خواستگاری نادر از دختر حاکم قوچان ۱۳۱
- نبرد قوای شاه طهماسب دوم با قوای ملک محمود سیستانی ۱۳۱
- سپهسالاری نادر - فتحعلی‌خان قاجار زندانی شد و نادر سپهسالار قوا گردید..... ۱۳۳
- کشته شدن فتحعلی‌خان قاجار..... ۱۳۵
- ملک محمود می‌خواست از فرصت استفاده کند اما ۱۳۷
- گوهرشاد در چه حال بود نادر چه عواملی را سیر می‌کرد..... ۱۴۰
- شاه طهماسب علیه نادر توطئه چید ملک محمود هم خواست از موقعیت استفاده کند
- ۱۴۱
- بازگشت نادر به مشهد ۱۴۵
- سرداران کُرد و ترکمن علیه نادر قیام کردند ابراهیم خان برادر نادر محاصره شد و نادر
- نجاتش داد ۱۴۶
- نامه نادر به دختر سام بیگ..... ۱۴۸
- عقدبندها و عروسی ۱۴۹
- خیانت مجدد ملک محمود به نادر - ملک محمود سیستانی با وجود مردانگی‌های نادر به او
- باز خیانت کرد ۱۵۰
- طغیان و سرکشی در قائن..... ۱۵۲
- نجات یافتن نادر از مرگ حتمی ۱۵۳
- استقبال اهالی مشهد از نادر و شاه طهماسب ۱۵۵

- شاه طهماسب به یاد کسان خود افتاد ۱۵۶
- نادر برای تسویه حساب با شاه طهماسب حرکت کرد ۱۵۹
- نجات ابراهیم خان و شکست متجاسرین توسط نادر ۱۶۱
- توطئه و دسیسه پیشکار سابق شاه طهماسب ۱۶۳
- الله قلی خان نسبت به نادر کینه داشت ۱۶۳
- نادر برای سرکوبی وابستگان شاه قیام کرد ۱۶۴
- پیشکار سابق شاه در برابر نادر سر تعظیم فرود آورد ۱۶۵
- فتح هرات و ورود نادر و شاه طهماسب به این شهر ۱۶۸
- الهیاری خان حمله گر نیرنگ زد ۱۷۰
- پایان کار شهر هرات توسط نادر ۱۷۴
- اشرف افغان می خواست از پشت خنجر بزند ۱۷۴
- نادر برادرش ابراهیم خان را حاکم خراسان نمود ۱۷۵
- اشرف در میدان جنگ فهمید نادر واقعا وجود نادری می باشد ۱۷۶
- دومین شکست اشرف افغان از نادر و فرارش به سوی تهران ۱۷۷
- فکر گذشته و حال شاه طهماسب را زنج می داد ۱۸۰
- سومین شکست اشرف از نادر در مورچه خور اصفهان ۱۸۰
- ورود شاه طهماسب به پایتخت اصفهان ۱۸۴
- اشرف با پول جواهرات زیاد و شاهزاده خانم ها وارد شیراز شد ۱۸۵
- نادر از قصد احریمنی اشرف با خبر شد ۱۸۷
- اشرف توسط سیدالخان تقاضای صلح کرد ۱۸۸
- جنگ در سرزمین فسا و فرار اشرف ۱۹۱
- برادر محمود که حاکم قندهار بود به اشرف راه نداد ۱۹۳
- آخرین مقاومت اشرف در مقابل نادر ۱۹۳
- سردار سیدالخان مردانه جنگید و مردانه جان سپرد ۱۹۸
- بر کندن چشمان امیر اشرف ۲۰۰
- ورود نادر به قندهار ۲۰۱
- نادر برای وصل یار به فکر چاره افتاد و خواجه باشی به حضور نادر رسید ۲۰۲
- اشرف در حضور قبل عالم ۲۰۵

- انتقام هولناک ۲۰۶
- شاه طهماسب راجع به گذشته استفسار کرد ۲۰۷
- شاه طهماسب می‌خواست خلعت بدهد ۲۰۹
- عزاداری بر مرگ عزیزان ۲۱۰
- ایران و عثمانی مسلمان مدت‌ها برادرکشی کردند ۲۱۱
- نمایندگان کمپانی جاسوسی می‌کردند ۲۱۲
- نمایندگان کمپانی‌ها به شاه طهماسب متوسل شدند ۲۱۳
- خبر فتوحات نادر جان تازه‌ای در کالبد مردم ایران دمید ... و سالدات‌های روسی مزه انتقام را
چشیدند ۲۱۴
- استقبال مردم مشهد از نادر ۲۱۵
- به فرمان ظل‌الله نادر و پسرش به اصفهان حرکت کردند ۲۱۵
- شاه طهماسب نظر خواهرش رضیه را به همسری نادر خواستار شد ۲۱۶
- تجلیل شاهانه ۲۱۶
- حمله سپاه نادر به عساکر ترک ۲۱۷
- حمله شبانه عساکر ترک و عقب‌نشینی سواران حسین‌قلی‌خان به کنگاور ۲۱۸
- محاصره شدن حسین‌قلی‌خان و حرکت شبانه نادر ۲۱۹
- هنرنمایی قوای نادر ۲۲۱
- آزاد نمودن تبریز و خطه آذربایجان از وجود عساکر ترک ۲۲۲
- بلوای هرات ۲۲۳
- محاصره شهر مشهد از طرف افغانان ۲۲۴
- نادر در رسیدن پیام ابراهیم‌خان به سوی مشهد به راه افتاد ۲۲۵
- فریادهای زنده‌باد سپهسالار شهر مشهد را تکان داد ۲۲۶
- نادر علیه ابراهیم‌خان برانگیخت ۲۲۷
- امیرحسین‌خان برادر محمود خواست با ذوالفقارخان علیه نادر همکاری کند ۲۲۸
- توطئه چینی در داخل شهر هرات ... حرکت نادر به سوی هرات ۲۲۹
- کشته شدن ذوالفقارخان ... بلوای دوم هرات ۲۳۰
- قیام زندانیان ... داستان حبیب‌اله خان ۲۳۰
- گشودن دروازه هرات ... کشته شدن حبیب‌اله‌خان ۲۳۱

- تسخیر شهر هرات کشته شدن برادر الپارخان ۲۳۲
- فرار امیر حسین خان از فراه و تسخیر فراه توسط ابراهیم خان ۲۳۲
- شاه طهماسب دوم خواست قدرت‌نمایی کند ۲۳۳
- حال بینیم نادر چه می‌کند ۲۳۴
- شکست مفتضحانه شاه طهماسب دوم در برابر عساکر ترک ۲۳۵
- در شرق و غرب ایران برای نادر مشکل به وجود آوردند ۲۳۶
- امضا قرارداد تنگین شاه طهماسب با دولت عثمانی و روس‌ها ۲۳۷
- نادر تصمیم گرفت قراردادهای را به هم بزند ۲۳۹
- طرح نقشه برای برانگیختن حکام حرکت نادر به سوی اصفهان ۲۴۱
- شاه طهماسب اجرای قرارداد با ترکان را لازم می‌دانست ۲۴۲
- شاه طهماسب فهمید نادر و قولش قرارداد او را با ترک‌ها تقبل نخواهند کرد ۲۴۳
- نادر ترکمنان شورشی را منکوب و روس‌ها مجدداً اراضی شمال را تخلیه کردند ۲۴۴
- رضیه پا در میانی کرد ۲۴۵
- مأمورین مخفی نادر همه جا بودند ۲۴۶
- درباریان به بی‌کفایتی خود اذهان داشتند ۲۴۷
- رضیه خاطر برادرش را آسوده کرد ۲۴۸
- شاه طهماسب فسخ حرکت به شیراز کرد ۲۴۹
- نادر تقاضای شرفیابی کرد ۲۵۰
- بار دیگر شاه طهماسب اغفال شد - دو نفر از سرداران سپاه شاه ذهن او را بار دیگر مشوش کردند ۲۵۱
- رضیه خانم از تغییر عقیده برادرش ناراحت شد ۲۵۱
- نادر فهمیده بود توطئه‌ای در کار است ۲۵۲
- نادر سرداران توطئه‌گر را شناخت ۲۵۴
- یاران نادر فهمیدند توطئه‌ای در کار است ۲۵۵
- نادر بی‌خبر وارد شهر شد ۲۵۵
- شاه طهماسب فرمان صدراعظمی نادر را صادر کرد ۲۵۶
- صرف نهاد در حضور قبله عالم ۲۵۷
- افول کوکب اقبال شاه طهماسب ۲۵۸

- شاه طهماسب در حال مستی مقام خود را فراموش کرد ۲۵۹
- نادر از توطئه‌ها پرده برداشت ۲۵۹
- شاه طهماسب در جلسه مشورتی از سلطنت خلع و پسر شش ماهه‌اش قبله عالم شد ۲۶۲
- بوقلمون صفتان در برابر نادر سر تعظیم فرود آوردند ۲۶۴
- شهر اصفهان غرق در شادی ۲۶۵
- مراسم تاجگذاری طفل شش ماهه ۲۶۷
- نادر برای دیدن شاه مخلوع از اصفهان حرکت کرد ۲۶۹
- شاه مخلوع از نادر خواست او را به مشهد بفرستد ۲۶۹
- بختیاریان علیه نادر قیام کردند ۲۷۱
- بختیاریان تسلیم شدند ۲۷۳
- خبر خلع شاه طهماسب به اطلاع همسایگان رسید ۲۷۴
- عبدالباقی چه کسی بود؟ ۲۷۵
- دولت عثمانی مهای جنگ با ایران می‌شود ۲۷۶
- دلاوران کرد عبدالباقی و یارانش را سر به نیست کردند و منطقه کردنشین ایران توسط نادر پس گرفته شد ۲۷۷
- کوه پیمایی شبانه تسخیر معبر کوهستانی ۲۷۸
- شکست قوای ترک در کرکوک و تسخیر آن ۲۷۹
- شکست قوای ترک اسیر شدن محمدپاشا ۲۸۰
- عبور از دجله شکست عساکر ترک محاصره بغداد ۲۸۲
- قحطی و گرسنگی در شهر بغداد ۲۸۳
- مذاکرات صلح برای گذراندن وقت ۲۸۵
- جنگ‌های کرکوک ۲۸۵
- افکار غالب و مغلوب ۲۸۷
- نادر به تجدید قوا پرداخت ۲۸۷
- دول مسیحی در اروپا طرفداران صفویه را برانگیختند و محمدخان بلوچ را علم کردند ۲۸۹
- سپاه ایران از ترکان انتقام گرفت ۲۹۱
- سر توپال عثمان پاشا بر سر نیزه رفت ۲۹۳
- شکست‌های پی در پی عساکر ترک ۲۹۵

- ۲۹۶..... احمد پاشا به حضور نادر رسید
- ۲۹۷..... زیارت نادر از اماکن مقدسه
- ۲۹۸..... نادر به قول خود در مورد خواجه‌باشی عمل کرد
- ۲۹۸..... شبی هوس‌انگیز در بغداد
- ۲۹۹..... سردار محمدخان قبله‌گاه مخالفین نادر گردید
- ۳۰۰..... فرماندار شوشتر و طرفدارنش اسیر شدند
- ۳۰۰..... برخورد نادر با محمدخان بلوچ
- ۳۰۱..... نادر برای گرفتن محمدخان بلوچ به تهیه نیروی دریایی پرداخت
- ۳۰۲..... ورود نادر به شهر شیراز
- ۳۰۴..... حرکت به سوی پایتخت
- ۳۰۴..... سردار محمدخان از اعمالش پشیمان و به گریه افتاد
- ۳۰۵..... نمایندگان دولت عثمانی و روس در حضور نادر
- ۳۰۷..... نادر با سردارانش در اخراج ترکان از قفقاز مشورت کرد
- ۳۰۸..... حرکت نادر به سوی قفقاز
- ۳۰۹..... شیر ایران متوجه دورویی روس‌ها شد
- ۳۱۰..... عبور نادر از دشت مغان تصرف شیروان
- ۳۱۰..... روس‌ها حاضر شدند بآذکوبه و دربند را تخلیه نمایند
- ۳۱۱..... سرخای لگزی به تحریک پاشای ترک علیه نادر قیام کرد
- ۳۱۲..... دریاسالار لطیف‌خان در جنوب ایران - تأسیس بحریه ایران حرکت به سوی بصره
- ۳۱۳..... دیسبه‌بازی کمپانی انگلیسی و شکست بحریه ایران
- ۳۱۴..... برخورد روس و عثمانی در داغستان و کریمه به نفع نادر تمام شد
- ۳۱۵..... به فرمان ملکه روسیه شهرهای ایران تخلیه گردید
- ۳۱۶..... ویران کردن شهر شماخی توسط نادر و ساخت شهری جدید
- ۳۱۷..... کشته شدن عبدالله‌پاشا و شکست قوای عثمانی
- ۳۲۱..... تسلیم شدن علی‌پاشا و اسحق‌پاشا و مردم تفلیس و تحویل گنجه به نادر
- ۳۲۲..... شکست‌های پی در پی قوای عثمانی از نادر دربار عثمانی را متزلزل کرد
- ۳۲۳..... انعقاد پیمان صلح تفلیس بین ایران و عثمانی با نظارت روسیه
- ۳۲۴..... سران لگزی تسلیم شدند منطقه داغستان به تصرف نادر درآمد

- در تاریخ‌ها چه نوشته‌اند؟ ۳۲۶
- نادر خواست کناره‌گیری کند اما ۳۲۸
- نادر می‌خواست بداند اختلاف شیعه و سنی بر سر چیست؟ ۳۳۱
- حاضرین بدون چون و چرا شرایط نادر را پذیرفتند. ۳۳۲
- طوماری تهیه کردند نادر سلطنت را پذیرفت ۳۳۴
- تاجگذاری و تجدید ساختار حکمرانان مملکت ۳۳۵
- یک صد هزار نفر با خاک بیعت کردند و تپه نادری را ساختند ۳۳۸
- رضاقلی والی خراسان به محل مأموریت خود رفت ۳۳۸
- ظهیرالدوله (ابراهیم‌خان) فرمانده کل قوای آذربایجان ۳۳۹
- علی‌مراد شقاوت پیشه به حمایت از شاه طهماسب مخلوع بلند شد ۳۳۹
- نادر برای سرکوبی علی‌مراد حرکت کرد ۳۴۰
- جایگاه علی‌مراد کشف شد ۳۴۲
- کشتن علی‌مرادخان و انتقال قسمتی از ایل بختیاری به خراسان ۳۴۲
- اسکان ایل بختیاری ۳۴۳
- نادر سردار لطیف‌خان را مرود تفقد قرار داد خرید کشتی جنگی به پنج برابر قیمت اصلی
- ۳۴۳
- بحرین ملک طلق ایران آزاد شد ۳۴۴
- تسخیر مسقط جشن و شادی مردم ۳۴۵
- کوسه یکی از قهارترین دزدان دریایی در ساحل مسقط پهلو گرفت ۳۴۶
- نوبه کوسه رسید تا انتقام پس بدهد ۳۴۷
- سردار لطیف‌خان ارسال غنائم به نادرشاه ۳۴۸
- شرفیابی نمایندگان ایران به حضور سلطان عثمانی ۳۴۸
- بحث درباره مفاد قرارداد ۳۴۹
- روس‌ها خواستند نادر را در جنگ با دولت عثمانی با خود متحد کنند ۳۵۰
- تهیه مقدمات جنگ در صفحات شرق ایران ۳۵۱
- تسخیر قلعه‌های کرشک (کوشک) ... سرکوبی یاغیان داور زمین و هزارجات ۳۵۲
- محاصره قلعه قندهار ۳۵۳
- رسول به انتقام قتل خواهرش به نادر پیوست ۳۵۴

- سرداران حسین سلطان مقاومت کردند لذا محاصره قندهار طولانی شد و نادر شهر نادرآباد را ساخت..... ۳۵۶
- ابتکار نادر - نادر ابتکار به خرج داد تا قندهاریان از قلعه خارج شوند ۳۵۷
- اشرف سلطان و طایفه توخی‌ها از حسین سلطان بریدند و به نادر پیوستند..... ۳۵۸
- تسخیر قلعه‌های بست و صفا ۳۵۹
- رسول به آرزوی خود رسید و از قاتل خواهرش انتقام گرفت ۳۵۹
- محبت‌خان در لباس دشمنی نادر به فکر سلامت سربازانش بود ۳۶۱
- محبت‌خان دوست امروز دشمن دیروز ۳۶۲
- سردار پیر محمدخان طغیان کرد و اسمش‌خان ندانسته گرفتار شد ۳۶۴
- دادخان جاسوس دو طرفه ۳۶۷
- حمله شدید شروع شد ۳۶۸
- حسین سلطان به فیستول پناه برد ۳۶۹
- نماینده حسین سلطان شرفیاب شد و امان خواست ۳۶۹
- نادر نمایندگان حسین سلطان را به حضور پذیرفت ۳۷۲
- خواهر حسین سلطان به عقد نادر درآمد شیخ خطبه عقد را جاری کرد و سایر قلعه‌ها نیز به تصرف نادر درآمد ۳۷۳
- بعد از سیزده ماه غائله قندهار خاتمه یافت ۳۷۴
- شرفیابی نماینده عثمانی در نادرآباد ۳۷۴
- در هند چه خبر بود ۳۷۵
- قتل سردار محمدخان ترکمن در هند ۳۷۶
- نادرشاه به سلطان هند شدیداً اعتراض کرد پاسخ هندوان رجزخوانی به ایران شد ۳۷۷
- تقویت سپاه ایران برای حمله به هندوستان ۳۷۸
- راه برگزیده شده و ترتیب حرکت سپاه به هندوستان ۳۸۰
- حرکت سپاهیان نادر به سوی کابل ۳۸۱
- شرزه‌خان فرار کرد شهر کابل تسخیر شد ۳۸۳
- مردم جلال‌آباد تسلیم شدند ۳۸۵
- نمایندگان محمدشاه به حضور نادر رسیدند ۳۸۵
- شرفیابی رضاقلی میرزا ۳۸۶

.....	۳۸۷		زینت داد
.....	۳۸۸		تسخیر تنگ خیبر
.....	۳۸۹		فرار ناصرخان به پشاور
.....	۳۹۰		یاغیان گفتند چرا علیه هموطنان خود جنگ کنیم
.....	۳۹۱		اسیر شدن ناصرخان و تسلیم شدن مردم پشاور
.....	۳۹۲		ناصرخان جوانمرد با جوانمردتر از خود روبرو شد
.....	۳۹۳		گرفتار شدن علی مردان خان و ابوالحسن خان
.....	۳۹۵		نادر نشان داد هر که با فرزندش در افتد ور افتد
.....	۳۹۵		عقب‌نشینی ایلپاس اعدام دانیال بیگ متجاسر
.....	۳۹۶		جنگ با ابوالفیض
.....	۳۹۸		تسخیر قلعه شلاوک
.....	۳۹۹		نادر بر جان فرزندش بیمناک شد
.....	۳۹۹		رضاقلی برخلاف دستورات پدر به میدان جنگ شتافت
.....	۴۰۱		طاعون غوغا کرد
.....	۴۰۲		دو برادر اوسمی بزرگ و کوچک علیه ابراهیم خان ظهردوله نیرنگ به کار بردند
.....	۴۰۴		جانشین ابراهیم خان بقیه سپاه او را نجات داد
.....	۴۰۴		عبور قوای نادر از روی اولین شاخه رودخانه سند
.....	۴۰۶		عبور از شاخه دوم رودخانه سند ... ابتکار جالب دوم نادر
.....	۴۰۸		عبور از سومین شبعه رودخانه سند ... یک ابتکار دیگر
.....	۴۰۹		عبور از چهارمین شاخه رودخانه سند ... یک ابتکار دیگر نادر
.....	۴۱۰		محاصره شهر لاهور
.....	۴۱۳		نادرشاه سردار فخرالدین را در حاکمیتش ابقا نمود
.....	۴۱۳		دانه گندم و جو در چکمه‌های نادر سبز کرد
.....	۴۱۴		ناصرخان مورد عنایت نادر قرار گرفت ... جاسوسان به فعالیت پرداختند
.....	۴۱۵		نظری به تاریخ هند اجداد محمدشاه گورکانی
.....	۴۱۶		صف‌آرایی سپاه هند در گرنال
.....	۴۱۷		عبور قوای نادر از آخرین رودخانه سند تسخیر قلعه عظیم آباد
.....	۴۱۸		درباریان هند در مورد قوای عظیم خود غلو کردند و محمدشاه خیالش راحت بود

- سربازان خسته و کوفته نادر اعجاز کردند ۴۱۹
- قوای ایران با دو هزار فیل جنگی در دشت کرنال چه باید کرد؟ ۴۲۰
- صف آرای دو سپاه در دشت کرنال ۴۲۱
- در اولین روز نبرد پیروزی با قوای ایران بود ۴۲۳
- در دومین روز جنگ شتران حمل آتش فیلان را رم دادند ۴۲۵
- اسیر شدن سعادت‌خان هندی ۴۲۷
- سومین روز نبرد با پیروزی قوای ایران، محمدشاه تقاضای متارکه جنگ نمود ۴۲۹
- در چهارمین روز جنگ نادر شرایط متارکه جنگ را اعلان کرد ۴۳۰
- شبی بدون جنگ اما همه در فکر فردا بودند ۴۳۲
- سلطان هند به سوی اردوی ایران حرکت کرد ۴۳۲
- غالب و مغلوب در برابر هم ۴۳۳
- محمدشاه دستور داد معاد قرارداد متارکه جنگ اجرا شود ۴۳۴
- نهضت مقاومت شروع شد ۴۳۵
- ششمین روز در انتظار گذشت هفتمین روز نادر آماده حمله شد ۴۳۷
- تسخیر قلعه شاه جهان مرکز تجمع ناراضیان دهلی ۴۳۹
- حرکت نادر به سوی دهلی ۴۴۰
- قضاوت مردم هند درباره نادرشاه ۴۴۱
- کارپردازان ایران ناجوانمردانه کشته شدند ۴۴۲
- کاسه صبر نادر لبریز شد فرمان قتل عام صادر کرد ۴۴۴
- نادر آتش بس داد - این رسم میهمان‌نوازیست؟ مسیین باید کیفر ببینند ۴۴۵
- نادرشاه مدافعین مهین را دوست داشت - کسی که برای حفظ ناموس یا وطنش قد علم کند
محترم است ۴۴۶
- تعیین میزان غرامت ۴۴۷
- محمدشاه فاتحین باید سرگرم باشند نادر می‌دانست دختران هندی ملاححت دارند ۴۴۸
- دامادی نصرالله میرزا و انس گرفتن مردم دهلی با سربازان ایران ۴۴۸
- ناج‌بخشی نادرشاه و توصیه‌هایش به محمدشاه ۴۵۱
- در بازگشت نادر به ایران مشکلاتی به وجود آمد ۴۵۵
- والی سند طغیان کرد نادر برای سرکوبی او بازگشت ۴۵۷

- ۴۶۰..... بازگشت نادر به ایران جشن و شادمانی
- ۴۶۱..... درباریان مفسده‌جو در اغوای رضاقلی میرزا غوغا کردند
- ۴۶۲..... رضا قلی علیه بیگلربیگی فارس برانگیخته شد
- ۴۶۲..... علیه شاه طهماسب مخلوع توطئه چیدند
- ۴۶۳..... عزاداری انتقال جسد شهداء به مشهد
- فاطمه بیگم خودکشی کرد - فاطمه بیگم از شنیدن مرگ برادر و دو فرزند او خودکشی نمود
- ۴۶۳.....
- ۴۶۴..... رضاقلی میرزا پشیمان شد و تغییر رویه داد
- ۴۶۵..... احمدپاشا بار دیگر هوس تجاوز به مرزهای ایران را نمود
- ۴۶۵..... رضاقلی توسط پدرش احضار شد
- ۴۶۸..... نادر رضاقلی را عزل کرد و نصرالله میرزا به ولیعهدی رسید
- ۴۷۰..... لشکرکشی به ترکستان
- ۴۷۱..... ابوالفیض‌خان قصد داشت تسلیم شود
- ۴۷۲..... قوایی رسید جنگ شروع شد
- ۴۷۳..... ابوالفیض‌خان تسلیم شد و نادر وارد شهر بخارا گردید
- ۴۷۴..... باز هم تاج‌بخشی
- ۴۷۴..... خواجه‌باشی رضاقلی را راضی کرد
- ۴۷۵..... مملکت‌داری بالاتر از عیش و عشرت حرکت به سوی خبوه
- ۴۷۶..... تصرف قلعه هزار اسب ایلبارس‌خان به قلعه خانقاه پناه برد
- ۴۷۸..... ابوالخیر از خیر جنگ گذشت و به کوه‌های آرال گریخت
- ۴۸۰..... نمایندگان محمدشاه با هدایا به حضور نادر رسیدند
- ۴۸۰..... حرکت به سوی داغستان
- ۴۸۱..... سوء قصد سوءظن و بدگمانی
- ۴۸۲..... تغییر اخلاق نادر محسوس شد
- ۴۸۳..... حمله داغستانی‌ها به قسمتی از قوای نادر
- ۴۸۵..... نصرالله میرزا بر اوزبکان چیره شد و نادر را خوشحال نمود
- ۴۸۵..... امام مسقط به تحریک بیگانگان بحریه ایران را از بین برد
- ۴۸۶..... نادرشاه دستور داد امام مسقط را فوراً اذب کنند

۴۸۸.....	تسخیر مسقط به عرض رسید
۴۸۹.....	اخلالگری روس‌ها در پیشرفت نادر در داغستان.....
۴۸۹.....	نادر فهمید روس‌ها با تمام توان به لژکیان کمک می‌کنند
۴۹۰.....	سوء قصد کننده به جان قبله عالم پیدا شد
۴۹۱.....	بازجویی از سوء قصد کننده
۴۹۲.....	احضار رضاقلی میرزا
۴۹۲.....	رضاقلی تحت بازجویی قرار گرفت
۴۹۴.....	یک حرکتی بی جا خشم نادر را زیاد کرد
۴۹۵.....	نیکقدم تصمیم گرفت ثابت قدم باشد
۴۹۶.....	آغاباشی از رضاقلی حمایت نمود
۴۹۷.....	رضاقلی و نیکقدم در رویارویی
۴۹۹.....	گوهرشاد قیام کرد، از ستاره خواست و ساطت کند
۴۹۹.....	در مجلسی که بزرگان حضور داشتند رضاقلی از دو چشم نابینا شد
۵۰۰.....	گوهرشاد به مراقبت رضاقلی نابینا پرداخت
۵۰۱.....	نادر علیه اطرافیان‌ش برانگیخته شد
۵۰۳.....	بعد از قتل و کشتار مرحله رقت قلب رسید
۵۰۳.....	رضاقلی از پدر خواست با خاله‌اش به مشهد بروند و زندگی کنند
۵۰۴.....	رعب و ترس در دل‌ها افتاد
۵۰۴.....	نادر تصمیم گرفت داغستان را از وجود یاغیان پاک کند و با دولت عثمانی تکلیف خود را مشخص نماید.....
۵۰۵.....	تسخیر قلعه قریش
۵۰۶.....	ادعای پیشوا بودن و معجزه قلابی
۵۰۷.....	غزال غوغا به پا کرد
۵۰۷.....	دربار عثمانی از شناختن مذهب جعفری خودداری کردند
۵۰۸.....	سیف ابن سلطان مایه رنج و آزار مردم مسقط و عمان شده بود
۵۱۰.....	امام مسقط به نیرنگ متوسل شد
۵۱۰.....	اختلاف سردار تقی‌خان بیگلربیگی با لطیف‌خان دریا بیگی علنی شد
۵۱۲.....	نادر تقی‌خان بیگلربیگی را مورد مواخذه قرار داد

۵۱۲.....	کشتی‌های ایران به دست یاغیان دریایی افتاد
۵۱۳.....	نادر به فکر تهیه کشتی‌های جنگی افتاد
۵۱۴.....	امام وردی‌خان در اجرای امر نادر جان سپرد
۵۱۵.....	تجدید سازمان نیروی دریایی
۵۱۵.....	امام حقه‌باز مسقط بار دیگر از دریاسالار ایران کمک خواست
۵۱۶.....	اکثر اعراب مسقط و عمان با سلطان بن مرشد بیعت کرد
۵۱۶.....	قتل برای حفظ مقام امامت
۵۱۸.....	بر سر انتخاب امام جدید اختلاف نظر بود
۵۱۹.....	احمدبن سعید امام شد
۵۱۹.....	تصمیم نادرشاه روح عصیان در دو سردارش به وجود آورد
۵۲۰.....	رقیب حیل‌گر حریف خود را خفه کرد
۵۲۱.....	تهیه مقدمات پیشروی نادر در خاک عثمانی
۵۲۲.....	عبور قوای ایران از مرز
۵۲۳.....	برای جهاد علیه ایرانیان فتوای جهاد را دادند
۵۲۳.....	بندگان خدا به نام خدا به جان هم افتادند
۵۲۳.....	تسخیر شهر موصل
۵۲۴.....	شروع بحث دینی
۵۲۴.....	سلطان عثمانی استمالت کرد
۵۲۵.....	بحث بر سر مذهب
۵۲۶.....	خروج سام
۵۲۷.....	قوایی که به کمک حاکم دریند می‌رفت منکوب شد
۵۲۸.....	طرفداران سام با خدعه و نیرنگ وارد قلعه شدند
۵۲۹.....	جاسوسان در بین مردم دریند هم ظاهر شدند
۵۲۹.....	نصرالله میرزا مأمور دفع غائله گردید
۵۳۰.....	هر کس در فکر و خیالی بود
۵۳۱.....	بیگلربیگی فارس هم طغیان نمود
۵۳۱.....	ورود به شهر شیراز و گرفتار شدن محمودتقی‌خان
۵۳۲.....	در گرگان هم غوغایی به پا شد
۵۳۳.....	نادرشاه امر کرد به یاغیان رحم نکنند

- ترکان عثمانی مدعی دیگر برای تاج و تخت ایران ساختند ۵۳۴
- نادرشاه به سوی شهر قارص پیش رفت ۵۳۶
- دلاوران ایران ضرب شستی به ترکان عثمانی وارد کردند ۵۳۶
- قوای کمکی برای احمدپاشا رسید ۵۳۶
- لرکیان از جنگ شانه خالی کردند ۵۳۷
- نمایندگان ترک و لزکی از شهر قارص خارج شدند ۵۳۸
- تقاضای مهلت تجدید شد. نادر با نمایندگان ترک مردانه رفتار کرد ۵۳۹
- لرکیان برای حمله بهاری با نادر آماده می شدند ۵۴۰
- آرزوهای لزکیان نقش بر آب شد ۵۴۱
- سلطان عثمانی قوای کمکی فرستاد ۵۴۱
- جشن عروسی در اردوگاه نادر ۵۴۲
- کرد اصیل به وطنش پشت نمی کند ۵۴۳
- سپاه ایران غرق در شادی قوای ترک در عزاداری ۵۴۴
- حمله نادر به شهر قارص و شکست عساکر ترک ۵۴۵
- سرداران سپاه ایران خواستند نادر خلیفه اسلام شود ۵۴۶
- سرداران ترک متوجه تحریکات بیگانگان بودند ۵۴۶
- بلندنظری و جوانمردی نادر بار دیگر به اثبات رسید ۵۴۸
- نواده‌های چنگیزخان از نادر تقاضا کردند به حالشان عطف توجه شود ۵۴۹
- عظمت فکر نادر وحدت بشر ۵۴۹
- ترکمن‌ها تسلیم شدند ۵۵۰
- سلطان عثمانی به عظمت و فکر نادر پی برد ۵۵۰
- سلطان عثمانی نادم و رضاقلی میرزا خود را مقصر معرفی کرد ۵۵۳
- نادر برای تسکین افکارش کلات را انتخاب کرد ۵۵۳
- اسرار گنج کلات ۵۵۴
- توجه نادر به ترکستان شرقی ۵۵۵
- تنظیم قرارداد صلح دائم بین ایران و دولت عثمانی ۵۵۵
- تشکیل شورای تحقیق برای دریافت جریمه از متمردين ۵۵۷
- ستاره آرزو داشت اما برادر چوب خواهر را خورد ۵۵۸

- سه بار قدیمی خواستند نادر داماد شود ۵۵۸
- خواستگاری ۵۵۹
- عروسی رویره شد ۵۶۰
- نادر در طوفان شن و ریگ ۵۶۱
- در فکر کناره‌گیری نادر از سلطنت ۵۶۱
- چه کسی باید سلطنت کند؟ ۵۶۳
- شاهزادگان از پدر عذرخواهی کردند ۵۶۴
- بی‌عرضه‌ها بروید گم شوید ۵۶۵
- آخازی و زورگیری توسط حکام به مردم شروع شد ۵۶۶
- ما یاغی نیستیم ما از خودمان رفع ظلم خواهیم نمود ۵۶۷
- علی‌قلی و سردار جلایر جریمه شدند ۵۶۸
- مادر علی‌قلی را به عزایش می‌نشانم ۵۶۸
- مردم سیستان طغیان کردند مردم سیستان از خشم نادر آگاه شده و مجدداً طغیان کردند ۵۶۹
- علی‌قلی‌خان علیه عمویش قیام کرد و مردم سیستان با او بیعت کردند ۵۷۰
- سوءظن و بدگمانی ۵۷۱
- حقیقت آشکار شد، نوشدارو آورند اما حیف ۵۷۱
- احساس ناامنی در بزرگان ۵۷۱
- پیک علی‌قلی‌خان احضار شد ۵۷۲
- درد دل دوستانه ۵۷۲
- به دنبال پیک علی‌قلی‌خان ۵۷۲
- نزدیک‌ترین افراد به نادر علیهش توطئه چیدند ۵۷۴
- مردم هرات برانگیختند ۵۷۵
- نماز جماعت در هرات ۵۷۵
- قتل از دهان‌ها برداشته شد ۵۷۶
- ثابت قدمان به وظیفه خود عمل کردند ۵۷۶
- مشورت با ستاره ۵۷۷
- خبر شورش هرات به عرض نادر رسید ۵۷۷

۵۷۸.....	همه گفتند نادر انتقام پس می‌هد.....
۵۷۸.....	پیک آتش به جان نادر زد.....
۵۷۹.....	نگرانی نادر.....
۵۸۰.....	شوقی نادر را به سر شوق آورد.....
۵۸۰.....	نادر اراده کرد عازم کلات شود.....
۵۸۱.....	خبر حرکت نادر به کلات افکار مردم را دگرگون کرد.....
۵۸۱.....	چه کسی شرفیاب شود.....
۵۸۲.....	دیگ غیرت نادر جوش آمد و تغییر رأی داد.....
۵۸۲.....	تعجب..... بلانکلینی.....
۵۸۳.....	استراحت کردن بهتر است.....
۵۸۳.....	پس ما چه کاره هستیم؟.....
۵۸۳.....	فردا چه خواهد شد.....؟
۵۸۳.....	دگرگونی اوضاع یزد.....
۵۸۴.....	حرکت به سوی فوجان.....
۵۸۵.....	عزل حاکم ستمگر یزد.....
۵۸۵.....	از برادرکشی متنفرم.....
۵۸۶.....	احضار مرادبیگ.....
۵۸۶.....	عذر..... خیانت.....
۵۸۷.....	بازجویی شروع شد.....
۵۸۷.....	خیانت‌کاران نگران شدند.....
۵۸۷.....	اظهارات احمدخان برای خیانتکاران.....
۵۸۸.....	خیانتکاران نقشه دیگری طرح کردند.....
۵۸۸.....	آخرین فتح و پیروزی نادر.....
۵۹۰.....	آخرین شب.....
۵۹۰.....	چگونگی قتل نادر.....
۵۹۳.....	سرنوشت گنجینه نادر در کلات.....
۵۹۵.....	مظالم عادل‌شاه، علی‌قلی.....
۵۹۷.....	نگاهی به خصوصیات تاکتیکی و اخلاقی نادرشاه افشار.....